

عنوان مقاله:

چگونگی شکل گیری مبانی نظری دیکانستراکشن در معماری

محل انتشار:

اولین کنگره بین المللی صنعت ساختمان با محوریت تکنولوژی های نوین در صنعت ساختمان (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسندگان:

اسماعیل شعبان پور خسروآبادی - دانش آموخته کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تحقیقات تهران (گیلان)، گیلان، ایران

فرگل اقبال طلب پاسکه - دانش آموخته کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تحقیقات تهران (گیلان)، گیلان، ایران

معظمه پوراسمعیل چیکی - دانش آموخته کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تحقیقات تهران (گیلان)، گیلان، ایران

نغمه زاهدی احمدسرایبی - دانش آموخته کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تحقیقات تهران (گیلان)، گیلان، ایران

خلاصه مقاله:

انکون می توان دیکانستراکشن را جزئی لاینفک از تاریخ، تیوری تجربه معماری دانست. مکتب دیکانستراکشن یکی از شاخه های مهم فلسفه پست مدرن محسوب می شود نقدی بر بینش ساختارگرایی تفکر مدرن است هدف آن گسستن از مفاهیم مطلق گذشته پیوستن به وادی های ناشناخته آینده است. تاثیر گذاری مستقیم فلسفه بر معماری از ویژگی های دوره معاصر می باشد که در پی فروریزی یکپارچگی معماری رخ نموده است. این مقاله قصد ارزش گذاری بر این پیوند میان فلسفه معماری را نداشته تنها به بررسی چگونگی تاثیرگذاری یکی از نحله های اخیر فلسفی بر معماری می پردازد سعی می کند تا نسبت ژاک دریدا را با معماری دیکانستراکشن روشن کند. بررسی اندیشه های ساختارگرایان، شرح وضعیت فضای پیدایش جریان دیکانستراکشن در غرب، شناخت مبانی شکل گیری این اندیشه، نظرات دریدا در مورد زبان، نوشتار کارهایی که برای رسیدن به این مهم انجام داد وارد کردن مباحث فلسفه دیکانستراکشن در معماری توسط معمار آمریکایی، پیتر آیزنمن از مواردی است که باید مورد مطالعه قرار بگیرد. همچنین ارتباط تفاوت بین دیکانستراکشن دیکانستراکتیویست ریشه های هنری موثر بر این سبک از دیگر مسایلی است که در شکل گیری دیکانستراکشن نقش داشته اند.

کلمات کلیدی:

مکتب اصالت وجود، ساختار گرایی، دیکانستراکشن، دیکانستراکتیویست، ژاک دریدا، پیتر آیزنمن

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/844103>

